

«FATF» دربرزخ دلخواپی

سرانجام لوایح بحث برانگیز FATF چه خواهد شد؟

مریم سالاری

روزنامه‌نگار



صاحب اقتصادهای بزرگ به این نهاد پیوستند. این گروه ویژه اقدام مالی (Financial Action Task Force on Money Laundering) معیارهایی را برای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم تعیین می‌کند و اقدامات و سیاست‌هایی را برای شفافیت نظام بانکی و مالی، پیشگیری از پولشویی و مبارزه با آن پیشنهاد می‌دهد. چنانکه از نام این گروه پیداست اشخاص حقوقی و حقیقی مکلف هستند در باره درآمدهای خود به دولت‌ها پاسخ دهند تا سلامت نظام مالی جهان، از رتقایابدور شود، قاچاق و پول‌های کثیف، راه دشوارتری برای ورود به بازارهای مالی جهان داشته باشند. از جمله دلایل آن هم این بود که در خلال جابه‌جایی مالی در عرصه بین‌المللی، علاوه بر اقدامات خلاف برخی افراد، باند‌های مافیایی هم اقدام به جابه‌جایی‌های نامشروع پول به صورت گسترده در سطح بین‌المللی می‌کردند. چنانکه مکان‌هایی به عنوان بهشت امن منابع مالی نامشروع شکل گرفته بود و این وضعیت، ضرورت نظارت بر مناسبات مالی بین‌المللی را بیشتر می‌کرد. صاحبان درآمدهای ناشی از اقدامات غیرقانونی بایستی این پول را به نوعی تطهیر و وارد سیستم مالی قانونی کشورها کنند و فقط در این صورت است که می‌توانند از عواید اینگونه اقدامات بهره ببرند. در چنین فضایی بود که دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که نظارت ملی با روش‌های متفاوت دولت‌ها اثر بخشی ندارد و باید استانداردهای یکنواختی با همکاری همه کشورها ایجاد شود. از این رو «FATF» در محورهای سیاست‌گذاری و همکاری ملی و بین‌المللی، جرم‌انگاری پولشویی و مصادره، تأمین مالی تروریسم و تولید تسلیحات کشتار جمعی، شفافیت و چارچوب‌های قانونی و همچنین وظایف نهاد‌های دولتی، قضایی و مالی ۴۰ توصیه ارائه داد. توصیه‌هایی که به خودی خود الزام‌آور نیستند، اما با توجه به جایگاه این نهاد مالی و اینکه کشورهای عضو آن و همچنین سازمان‌هایی مانند «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (OECD) معیارهای گروه ویژه را برای مبارزه با پولشویی قبول دارند، رعایت یا عدم رعایت آنها مستقیماً روی نظام بانکی کشورها تأثیر می‌گذارد. در حقیقت «FATF» یک مرجع مشورتی است که بر پایه آن کشورها دور هم می‌نشینند و استانداردها تعیین می‌کنند و این استانداردها در قوانین ملی اعمال می‌شود. همچنین بر اساس مکانیسم‌های مختلف مطمئن می‌شوند که این استانداردها بدرستی از سوی کشورها اعمال می‌شوند.

لیست سیاه

«FATF» با هدف شناسایی کشورهایی که از لحاظ پولشویی و تأمین مالی

شاید اگر ساعت‌ها بر نامه سیاسی تهیه می‌شد تا به تصمیم‌گیران، تصمیم سازان و مردم، این واقعیت منتقل شود که نپیوستن ایران به «FATF» چگونه ساده‌ترین نقل و انتقال‌های مالی را با دشواری مواجه می‌کند، اندازه زلزله «آندرا استراماچونی» نمی‌توانست در ترسیم فضای بعد از حضور ایران در لیست سیاه مؤثر باشد. در هفته‌هایی که گذشت، سرمربی ایتالیایی تیم استقلال به دلیل مسائلی که برای دریافت حقوقش از ایران دچار شده بود، تیم تحت مسئولیتش را رها کرد و برای آنکه به «پولشویی» متهم نشود، عطای ایران و مبلغ قراردادش را به لقای سیستم نظارتی بانکی و اطلاعاتی کشورش و همچنین آبروی حرفه‌ای‌اش بخشید. چه بر اساس اخبار در سه نوبت و از ۳ مبدأ تلاش شد طلب آقای استراماچونی به حسابش در ایتالیا واریز شود که هر سه اقدام ناموفق بود و بانک ایتالیایی حساس شده و طبق ضوابط «FATF» حساب بانکی وی را به ظن پولشویی مسدود کرد. خروج نابهنگام و بدون خداحافظی او از ایران و کابوس از دست رفتن رؤیای قهرمانی که در سایه سرمربی ایتالیایی دست یافتنی به نظر می‌رسید، چنان فریاد اعتراض هواداران فوتبالی را به دنبال داشت که حتی دستگاه دیپلماسی کشور دست به کار شد تا تدبیری اندیشیده شود. پایان داستان استراماچونی و استقلال هر چیز می‌تواند باشد اما تا اینجا کار بسیاری دیدند «FATF» فقط در یک فقره فوتبالی آن یعنی چه؛ آن هم برای کشوری که تحت ظالمانه‌ترین تحریم‌ها قرار گرفته است. تحریم‌هایی که دقیقاً شریان‌های اقتصادی و مالی را هدف گرفته است و در چنین شرایطی افزودن «خودتحریمی» از هیچ منطقی پیروی نمی‌کند. اما این سوهمان قدر که فریاد اعتراض و هشدار به قرار گرفتن ایران در فهرست سیاه «FATF» بلند شده است و کنار گذاشتن ایران از عرصه مناسبات عادی اقتصادی با جهان خارج، کابوسی وحشتناک را تصویر می‌کند، احتمال وقوع این رویداد محتمل به تدریج جدی‌تر می‌شود. پیوستن یا نپیوستن به «FATF» به عنوان نهادی که امکان سیستماتیک سهل و سریع نظارت بین‌المللی بر نظام بانکی کشور را نهاده و نه قانونی می‌کند، در صحنه سیاسی ایران به ماجرای کش‌داری تبدیل شده است که هیچ‌کس حاضر نیست در گشودن این کلاف سردرگم نقشی داشته باشد. مسأله خیلی ساده است؛ دولت و مجلس این لایحه را تصویب کرده‌اند و مسئولیت قبول آن را هم پذیرفته‌اند اما شورای نگهبان مخالفت کرده و مجمع تشخیص سکوت کرده است؛ یعنی در شرایطی که شمارش معکوس برای پایان یافتن اندک فرصت ایران در پذیرش قوانین نظارتی «FATF» آغاز شده است، فشار مخالفان دولت سرنوشتی بهتر از مسکوت نگه داشتن لایحه الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم را رقم نزده است. گروه ویژه اقدام مالی روز جمعه ۲۶ مهرماه بار دیگر مهلت ایران را برای تصویب کامل قوانین مربوط به مبارزه با تأمین مالی تروریسم تمدید کرد. این ششمین و آخرین مهلت ایران برای تأمین نظرات «FATF» است و این گروه اعلام کرده که اگر تا قبل از بهمن ماه آینده تصویب دو کنوانسیون مربوط به این نهاد نهایی نشوند، کلیه اقدامات مقابله‌ای علیه ایران وضع خواهد شد و عملاً وضعیت ایران به پیش از خرداد سال ۱۳۹۵ باز خواهد گشت. هر چند تا همین جا هم سه دسته از اقدامات مقابله‌ای علیه ایران در دو نشست اخیر این نهاد مالی در ماه‌های خرداد و مهر اعاده شده است.

«FATF» چیست؟

اما «FATF» چیست و پیش از خرداد ۱۳۹۵ نسبت ایران با این نهاد مالی چه بود؟ هفت کشور صنعتی یا گروه ۷ شامل آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، کانادا و ایالات متحده آمریکا در حالی این سازمان را در سال ۱۹۸۹ تأسیس کردند که بعدها ۲۵ کشور